



The Critic of “The Most Good You Can Do: How Effective Altruism Is Changing Ideas about Living Ethically”

ARTICLE INFO

Article Type

Book Critics

Authors

Samadieh M.*

Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

Mollayousefi M.

Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Faculty of Islamic Sciences and Researches, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran

Safarzadeh Maleki A.

Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

How to cite this article

Samadieh M, Mollayousefi M, Safarzadeh Maleki A. The Critic of “The Most Good You Can Do: How Effective Altruism Is Changing Ideas about Living Ethically”. *Philosophical Thought*. 2023;3(2):235-246.

ABSTRACT

Effective Altruism has discussed helping others both in the domain of theoretical foundations and in the domain of practical foundations. In fact, helping others includes helping other humans, animals, the environment, and any other thing that improves the conditions of men and the world, and the discussion of this issue is of a background as ancient as human existence itself. The Most Good You Can Do by Peter Singer, one of the contemporary thinkers in practical ethics, contains four parts and fifteen chapters. The book has discussed the issue of helping others in a very proper and, of course, effective and applied manner, and it is unique in its specific domain; but the most significant point of weakness of this book is its negligence of the role of global organizations in prevention from war, etc., which in turn can play an effective and even fundamental role in the domain of altruism.

Keywords Peter Singer; Effective Altruism; Altruism; Philanthropy; Practical Ethics

*Correspondence

Address: Faculty of Humanities, University of Maragheh, Madar Square, Maragheh, Iran. Postal Code: 55181-83111

Phone: +98 (41) 37278900

Fax: -

samadieh@maragheh.ac.ir

Article History

Received: June 20, 2023

Accepted: September 5, 2023

ePublished: September 11, 2023

CITATION LINKS

[Aeschylus; 1926] Aeschylus [Aeschylus; 2019] The collection of works [Aristotle; 1894] Aristotle's *Ethica Nicomachean* [Aristotle; 1926a] Aristotle: The art of rhetoric [Goldberg S; 2009] Experts, semantic and epistemic [Aristotle; 1926b] *Nicomachean Ethics* [Aristotle; 1932] Aristotle in 23 Volumes, Vol. 23 [Aristotle; 1935] The Athenian constitution; The Eudemian ethics; On virtues and vices [Aristotle; 1944] Aristotle in 23 Volumes (Volume 21) [Aristotle; 1957] Aristotle's *Politica* [Aristotle; 1959] *Politics* [Aristotle; 1966] Aristotle's *Ars Poetica* [Aristotle; 1985] *Politics* [Aristotle; 2004] *Nicomachean ethics* [Aristotle; 2006] *Nicomachean ethics* [Hadreas P; 2002] Aristotle on the vices and virtue of wealth [Mollayousefi M, Samadieh M; 2022] Philanthropy in ancient Greece and its relationship with paideia [Singer P; 2015] The most good you can do: How effective altruism is changing ideas about living ethically [Singer P; 2019] The most good you can do: How effective Altruism is changing ideas about living ethically [Sulek M; 2010] On the classical meaning of philanthropía

نقد کتاب "دیگردوستی مؤثر: رساندن بیشترین خیر چگونه فهم ما را از زندگی اخلاقی تغییر می‌دهد"

مریم صمدیه*

گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران

مجید ملایوسفی

گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

علی صفرزاده ملکی

گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران

چکیده

کتاب *دیگردوستی مؤثر*، کمک به دیگری را هم در حوزه مبانی نظری و هم در حوزه مبانی عملی مورد توجه قرار داده است. در واقع کمک به دیگری شامل کمک به انسان‌های دیگر، حیوانات، محیط زیست و هر چیزی است که سبب بهبود شرایط انسان‌ها و جهان می‌شود و پرداختن به این موضوع سابقه‌ای به قدمت وجود انسان دارد. کتاب *دیگردوستی مؤثر*، توسط پیتر سینگر از متفکران معاصر در حوزه اخلاق عملی نگاشته شده و شامل چهار بخش و پانزده فصل است. کتاب به شیوه بسیار مناسب و البته مؤثر و کاربردی در زمینه کمک به دیگران سخن گفته است و در این زمینه در حوزه خود کم‌نظیر است؛ اما مهم‌ترین نقطه ضعف کتاب، عدم توجه به نقش سازمان‌های جهانی در پیشگیری از جنگ و ... است که این امر خود می‌تواند نقش مؤثر و بلکه اساسی در زمینه دیگردوستی ایفا نماید.

کلیدواژگان: پیتر سینگر، دیگردوستی مؤثر، نوع‌دوستی، فیلاتروپیا، اخلاق عملی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

*نویسنده مسئول: samadieh@maragheh.ac.ir

آدرس مکاتبه: مراغه، میدان مادر، دانشگاه مراغه، دانشکده علوم انسانی، گروه معارف اسلامی

تلفن محل کار: ۰۴۱۳۷۲۷۸۹۰۰؛ فکس: -

مقدمه

کمک‌کردن به دیگران و مورد لطف و محبت قرار دادن آنها امری است که نمی‌توان برای آن تاریخ دقیق و مشخصی بیان نمود؛ چرا که تا انسان بوده، کمک به دیگران هم بوده است! البته بایستی به این نکته اشاره نماییم که دیگری در اینجا اعم است از انسان‌های دیگر و حیوانات و محیط زیست و به طور کلی شامل هر چیزی است که سبب بهبود شرایط انسان‌ها و جهان می‌شود؛ اما کمک به دیگری در مفهوم خاص شامل کمک به انسان‌های دیگر می‌شود. کمک به دیگران با اینکه امری فطری است چنان که ارسطو به آن اذعان نموده است؛ اما در عین حال فطری‌بودن آن به این معنا نیست که نیاز به شناخت و پرورش نداشته باشد؛ بلکه با تربیت و پرورش می‌توان آن را رواج و گسترش داد و حتی شیوه‌ای مؤثر و کاربردی برای آن ارایه نمود.

کتاب *دیگردوستی مؤثر: رساندن بیشترین خیر چگونه فهم ما را از زندگی اخلاقی تغییر می‌دهد* (the most good you can do: How effective altruism is changing ideas about living ethically) می‌توان گسترش و رواج همین امری فطری یعنی دیگردوستی دانست. این کتاب توسط پیتر سینگر (Peter Singer) نوشته شده و در تاریخ هفت آپریل سال ۲۰۱۵ توسط انتشارات ییل و در ۲۱۱ صفحه به چاپ رسیده است. پیتر سینگر از جمله متفکران و فیلسوفان معاصر (و در قید حیات) است که بیشترین آثار را در حوزه اخلاق عملی به قلم نگارش درآورده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب *اخلاق عملی* (practical ethics)،

زندگی‌ای که می‌توانید نجات دهید: چگونه سهم خویش را در پایان‌دادن به فقر جهانی به جا آورید (the life you can save: how to do your part to end world poverty). اخلاق در دنیای واقعی: ۸۲ مقاله مختصر در باب چیزهایی که مهم هستند^{۱۱} (Ethics in the Real World: 82 Brief Essays on Things That Matter). قحطی، فراوانی و اخلاق^{۱۲} (famine, affluence, and morality) نوشتارهایی در باب زندگی اخلاقی^{۱۳} (writings on an ethical life) و آزادی حیوانات^{۱۴} (animal liberation) و ... اشاره نمود. این کتاب را آقای آرمین نیاکان در ۲۴۵ صفحه به فارسی ترجمه کرده و توسط نشر نی در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسانده است. این کتاب همچنین توسط محمدرضا مردانیان تحت عنوان "بیشترین کار خیری که از دستتان برمی‌آید: چگونه دیگرگزینی کارآمد، زیست اخلاقی را دگرگون کرده است" ترجمه شده و در انتشارات تمدن علمی به چاپ رسیده است. کتاب دارای چهار بخش و پانزده فصل است. بخش اول به «دیگردوستی مؤثر» می‌پردازد. عنوان بخش دوم این است که «چگونه بیشترین خیر را برسانیم؟» و بخش سوم به «انگیزه و توجیه» می‌پردازد. بخش چهارم نیز «انتخاب اهداف و سازمان‌ها» را مطرح می‌کند. در واقع کتاب دیگردوستی مؤثر هم به مبانی نظری دیگردوستی و هم به مبانی عملی آن اشاره نموده است.

مروری بر مباحث کتاب

بخش اول کتاب دیگردوستی مؤثر خود دارای دو فصل است. فصل اول کتاب «دیگردوستی مؤثر چیست؟» به چیستی دیگردوستی می‌پردازد. پیتر سینگر در این فصل به بررسی ویژگی‌های یک دیگردوست مؤثر می‌پردازد. یکی از ویژگی‌های افراد دیگردوست مؤثر این است که ساده زندگی می‌کنند و بخش بزرگی از درآمدشان را به مؤثرترین خیریه‌ها می‌بخشند. ویژگی دوم به سنجشگری افراد دیگردوست می‌پردازد؛ به این معنا که بخشش پرشور احساساتی غیر سنجشگر انجام نمی‌دهند. ویژگی سوم به انتخاب شغل چنین افرادی اشاره دارد؛ به این صورت که افراد دیگردوست مؤثر شغلی را انتخاب می‌کنند که بیشترین درآمد را دارد و این بدان جهت است که بتوانند خیر بیشتری به نیازمندان برسانند. چهارم اینکه از ویژگی‌های فرد دیگردوست این است که خود ایده دیگردوستی را معرفی و تبلیغ می‌کند. وی همچنین ویژگی دیگری برای چنین افرادی بیان نموده است و آن اشاره به اهدای اعضای بدن (به ویژه کلیه) توسط چنین افرادی دارد.

دیگردوستان مؤثر در تبیین بیشترین خیر، به رنج انسان‌هایی که در کشوری دیگر و با نژادی دیگر زندگی می‌کنند، بی توجه نیستند؛ هرچند که به رنج انسان در مقایسه با سایر موجودات اهمیت بیشتری قایل هستند. دیگردوستان مؤثر قبول دارند که برآوردن نیازهای فرزندان خودشان، مسیولیتی خاص است و از رسیدگی به نیازهای فرزندان دیگران مهم‌تر است و از این رو به زندگی شخصی خود توجه دارند؛ اما معتقدند با در نظر داشتن نیازهای اساسی‌تر دیگران می‌بایست حدودی برای رسیدگی به نیازهای فرزندانشان تعریف کنند. اغلب دیگردوستان مؤثر بر این باورند که ارزش‌هایی مثل عدالت، آزادی و برابری و دانش به این دلیل مطلوب هستند که به ایجاد اجتماعی کمک کنند که در آنها مردم می‌توانند زندگی بهتری داشته باشند. البته برخی هم معتقدند اینها به خودی خود مطلوب هستند. اینها معتقدند در دنیایی که فقر و ... است، کمک به خانه‌های ایترا و موزه‌ها نمی‌تواند رساندن بیشترین خیر تلقی شود و حتی کمک به فقرا ترجیح دارد بر کمک به دانشگاه پرینستون در شرایطی که دانشگاه شرایط مالی مناسبی دارد. دیگردوستان مؤثر می‌دانند که رعایت نکردن اصول اخلاقی، کشتن یا آسیب جدی رساندن به افراد بی‌گناه همیشه نتایج بدتری دارد. ایده دیگردوستی مؤثر بیان

می‌کند هر فردی می‌تواند به دیگر دوست موثر تبدیل شود. در واقع ایده دیگر دوستی مؤثر آقای پیتر سینگر از دو عنصر تشکیل شده است. اول لزوم کمک به دیگران و دوم انجام این امور به مؤثرترین صورت ممکن.

فصل دوم از بخش اول کتاب به «ظهور یک جنبش» یعنی دیگر دوستی اشاره دارد. مؤلف کتاب معتقد است این جنبش بنیان و بنیانگذاران متعددی دارد. از جمله اینکه خود ایشان با مقاله «قحطی، وفور و اخلاق» به این موضوع کمک کرده است. اشاره می‌کند به آقای زل کراوینسکی (Zell Kravinsky) که اموالش و حتی کلیه خود را به دیگران بخشیده است. کراوینسکی به محاسبه ریاضیاتی در کمک به دیگران اشاره کرده و بیان می‌کند که کمک او می‌تواند جان و زندگی چندین نفر را نجات دهد. همچنین به بانرجی (Abhijit Banerjee) و دافلو (Esther Duflo) اشاره می‌کند که به مطالعاتی در حوزه مبارزه با فقر انجام داده‌اند و شاگرد آنها دین کارلان (Dean Karlan) که مرکز مطالعات «نوآوری در مبارزه فقر» را راه انداخت و با این کار سعی داشت بین تحقیق دانشگاهی و مسایل عملی مربوط به توسعه پل بزند. بعدها کارنوفسکی (Holden Karnofsky) و الی هسنفیلد (Elie Hassenfeld) موسسه «سنجیده بخش» را راه انداختند. این موسسه به ارزیابی و تحقیق در باب میزان مؤثر بودن خیریه‌ها می‌پردازد. آقای سینگر بیان می‌کند که وجود این موسسه برای توسعه جنبش دیگر دوستی مؤثر یک نعمت محسوب می‌شود. در سال ۲۰۰۹ توبی ارد (Toby Ord) و ویل مک‌اسکیل (Will MacAskill) سازمان «بخشیدن هر آنچه می‌توانیم» را تاسیس کردند که هدف آن از بین بردن فقر در کشورهای در حال توسعه است. دغدغه دیگر دیگر دوستستان مؤثر این است که چه حرفه‌ای مرا قادر خواهد ساخت که بیشترین خیر را در طول زندگی‌ام برسانم؟ در سال ۲۰۱۱ مک‌اسکیل و پنج نفر از دوستانش موسسه «۸۰ هزار ساعت» را راه‌اندازی کردند که اشاره به میزان تقریبی است که هر فرد در طول عمرش دارد. این موسسه درباره اینکه کدام حرفه‌ها بیشترین خیر را می‌رسانند تحقیق می‌کند. در واقع دیگر دوستی مؤثر از اینجا شکل گرفت.

بخش دوم کتاب تحت عنوان «چگونه بیشترین خیر را برسانیم؟» خود دارای چهار فصل است و فصل سوم، چهارم، پنجم و ششم را دربر می‌گیرد. آقای سینگر در فصل سوم به «ساده‌زیستن با هدف بخشش بیشتر» اشاره می‌کند و معتقد است ساده‌زیستن باید به گونه‌ای باشد که این نوع از سبک زندگی باعث خوشحالی و شادکامی او گردد و نه اینکه زندگی تیره و تاری داشته باشد و یک دیگر دوست افسرده و ناراحت باشد. وی در این خصوص به زندگی چند مورد دیگر دوست مؤثر همچون جولیا وایز (Julia Wise)، ریما هوکاما (Rhema Hokama)، سلسوویئیرا (Celso Vieira) و پریا باسیل (Paria Basil) اشاره می‌کند. در واقع دیگر دوستی زمانی می‌تواند ارزشمند تلقی شود که فرد در زندگی خویش به خاطر بخشش‌هایی که انجام داده است؛ احساس ناراحتی و غم و اندوه نداشته باشد. اگر کمک به دیگران سبب شود خود فرد در شرایط نامطلوب (از نظر جسمی، روحی، امکانات و ...) در زندگی قرار گیرد، در این صورت دیگر دوستی، مؤثر تلقی نمی‌شود.

در فصل چهارم به «درآمدزایی با هدف بخشش» اشاره می‌کند. اینکه حرفه‌ای را انتخاب کنیم تا درآمد بیشتری داشته باشیم و بتوانیم بیشتر کمک کنیم. دیوید بروکس (David Brooks) در این زمینه به امری اشاره می‌کند که قابل توجه و تأمل است، اینکه اگر شغلی که انتخاب می‌کنیم تا درآمد بیشتری داشته باشد اما آن شغل مورد علاقه و استعداد ما نباشد باعث می‌شود ما صرفاً به ابزاری برای باز توزیع ثروت تبدیل شویم و حتی به شغلی که علاقه نداریم روی آوریم. آقای سینگر معتقد است افراد زیادی هستند که به خود و خانواده خود اهمیت می‌دهند و در عین حال از شغل و حرفه خویش لذت نمی‌برند؛ پس در این صورت انتقاد آقای بروکس در زمینه تبدیل اشخاص به وسیله‌ای برای بازتوزیع ثروت در مورد آنها نیز باید صادق باشد. علاوه بر این آقای سینگر معتقد است در انتخاب شغل بایستی به علاقه فرد نیز توجه شود؛ چرا که عدم علاقه می‌تواند در دراز مدت سبب آزدگی و در نهایت حتی کناره‌گیری فرد از شغل خویش شود. همچنین اگر درآمدزایی با هدف

بخشش مدنظر باشد، بایستی ارزش های اخلاقی نیز جدی گرفته شود. نظام های اخلاقی-رفتاری معمولاً این اصل را که «ضرر نرسان» به اصل «بیشترین خیری که می‌توانی را برسان» ترجیح می‌دهند. بنابراین انتخاب شغل برای درآمدزایی بیشتر به منظور کمک به دیگران در صورتی مفید است که با علاقه فرد همخوانی داشته باشد و همچنین با رعایت اصول اخلاقی همراه باشد.

در فصل پنجم به «دیگر حرفه‌های اخلاقی» اشاره می‌کند. در فصل ششم به «بخشیدن بخشی از خود» و اهدای عضو اشاره می‌کند که اهدا کردن خون و اهدای مغز استخوان و سلول‌های بنیادی از جمله اموری هستند که بخشیدن آنها عادی و ساده تلقی می‌شود؛ اما اهدای کلیه شرایط بسیار متفاوتی دارد. به نظر می‌رسد در این زمینه دیگردوست مؤثر می‌تواند تبلیغات گسترده‌ای برای مراکز اهدای عضو و عضویت در آنها (دریافت کارت اهدای عضو) انجام دهد.

بخش سوم به «انگیزه و توجیه» اشاره دارد و خود شامل سه فصل یعنی فصل هفتم: «آیا فقط به عشق نیازمندیم؟» و فصل هشتم: «یکی میان بسیار» و فصل نهم: «دیگردوستی و شادکامی» است. مؤلف کتاب مطرح می‌کند چنین نیست که انگیزه دیگردوستان مؤثر صرفاً انطباق با هنجارهای اجتماعی باشد. شاید بتوان عشق و محبت را دلیل این کار دانست. آقای سینگر اشاره به دیدگاه هیوم می‌کند که می‌گفت عاطفه‌ای به نام عشق به بشریت، صرفاً عشق به بشریت مستقل از خصوصیات شخصی یا بهره‌جویی از خدمات و یا نسبت افراد با خود وجود ندارد. آقای سینگر مطرح می‌کند از این رو شاید این عشق نیست که به دیگردوستی مؤثر انگیزه کافی می‌بخشد؛ بلکه همدلی است. همدلی به معنی خود را جای دیگری گذاشتن و احساسات و عواطف دیگری را درک کردن است. نویسندگانی مثل دو وال و ریفکین به همدلی اشاره کرده‌اند. ریفکین معتقد است تمدن به حدی از درک همدلی رسیده است که فراتر از خانواده و محیط اطراف می‌رود و کل بشر را دربر می‌گیرد. مؤلف کتاب در نهایت انگیزه بخشش را به همدلی و سنجش عقلانی نسبت می‌دهد و معتقد است این نوع از بخشش‌ها چنین نیست که صرفاً از روی احساسات و شور و هیجان باشد بلکه عقلانیتی در آن نهفته است که سبب می‌شود نسبت به دیگران و نیازهای آنها اهمیت قایل شویم. علاوه بر این در فصل نهم به نسبت شادکامی با بخشش به دیگران اشاره می‌کند و معتقد است بایستی چنین تفکری داشته باشیم که اموری که سبب خوشحالی و شادمانی ما می‌شوند آیا می‌توانند سبب رفاه دیگران گردند یا نه؟ و اگر چنین تفکری نداشته باشیم و صرفاً معتقد باشیم به اینکه ببخشیم تا خوشحال و شاد شویم؛ در این صورت مسأله‌ای که پیش می‌آید این است که اگر بخشش ما به حدی برسد که دیگر چیزی برای بخشش نداشته باشیم باز هم خوشحال و شادکام خواهیم شد؟

آقای سینگر در بخش چهارم به «انتخاب اهداف و سازمان‌ها» می‌پردازد که خود دارای شش فصل است. وی در این بخش به انتخاب افراد دیگردوست اشاره می‌کند که این انتخاب هم می‌تواند درباره انتخاب مؤثرترین خیریه‌ها انجام شود و هم درباره انتخاب زمینه‌های مختلف کمک. اینکه کدام مؤسسه، کمک را به بهترین صورت و مؤثرترین حالت انجام می‌دهد. مؤلف کتاب در این بخش به اولویت‌بندی افراد دیگردوست برای کمک به دیگران اشاره می‌کند و از کمک جهانی در برابر کمک بومی حمایت می‌کند و علت را چنین بیان می‌کند که بر اساس محاسبات مردم فقیر آمریکا وضع نسبتاً مناسبی نسبت به مردم فقیر کشورهای در حال توسعه دارند؛ چرا که مردم فقیر در چنین کشورهایی با فقر مطلق مواجه هستند که نیازمند پیگیری اساسی است؛ از این رو کمک به مردمی که چنین شرایطی دارند در اولویت قرار دارد. وی در طبقه‌بندی افراد برای کمک، رسیدگی به نیازهای اساسی را بر برآوردن خواسته‌ها ترجیح می‌دهد. وی همچنین در مورد زمینه‌های مختلف کمک به دیگران اشاره می‌کند و معتقد است کمک به انسان‌ها در مقایسه با کمک به حیوانات در اولویت قرار دارد. البته

این بدان معنا نیست که نسبت به حیوانات بی‌توجه باشیم؛ بلکه از لحاظ سنجش اولویت، کمک به انسان‌ها تقدم دارد. فصل آخر کتاب «جلوگیری از انقراض انسان» نام دارد و در این فصل به جنگ هسته‌ای، بیماری همه‌گیر به علت بیوتورریسم، گرمایش جهانی، رویداد نانو تکنولوژیک و حتی هوش مصنوعی فوق هوشمند و غیردوستانه اشاره می‌کند.

نقاط قوت کتاب

کتاب *دیگ‌دوستی مؤثر* کتابی بسیار ارزشمند در زمینه کمک به دیگران هم در حوزه مبانی نظری و هم در حوزه مبانی عملی است. مؤلف کتاب مطالب بسیار کاربردی و مؤثر در زمینه کمک به دیگران بیان کرده است و در عین حال راه‌حل‌های فوق‌العاده کاربردی در حوزه عمل ارائه نموده تا کمک بتواند به شیوه‌ای مؤثر اتفاق افتد. همچنین در حوزه مبانی نظری می‌توان کتاب *دیگ‌دوستی* را تداوم خوبی برای مباحث ارسطو در زمینه کمک به دیگران مطرح نمود. ارسطو ویژگی‌هایی را برای افراد دیگ‌دوست تحت عناوین گشاده‌دست یا سخاوتمند و فیلانثروپوس یا انسان‌دوست بیان نموده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- در وهله اول ارسطو معتقد است شخص سخاوتمند، بخشش را برای غایتی شریف انجام می‌دهد و اگر شخصی بخشش را در جایی انجام دهد که مناسب نیست و یا غایت شریف ندارد و به علل و عوامل دیگری وابسته است، نمی‌توان چنین فردی را سخاوتمند دانست [Aristotle, 1926b: 1120a].

۲- علاوه بر این ارسطو معتقد است شخص سخاوتمند به نحو درست می‌بخشد؛ یعنی به اشخاص درست، به اندازه درست، در زمان درست؛ به این معنا که به افرادی می‌بخشد که نیازمند هستند. ارسطو همچنین بیان می‌کند کسی که به غیرمستحق ببخشد، چنین کسی سخاوتمند نیست [Aristotle, 1926b: 1120a]. وی همچنین بیان می‌کند گشاده‌دستی و آزادگی، فضیلت روح است که در خرج کردن درست برای امور خوب نشان داده می‌شود [Aristotle, 1926b: 1120a]. از نظر ارسطو، شخص سخاوتمند بی‌جا و به هر کسی نمی‌بخشد بلکه دارایی خود را حفظ می‌کند تا بتواند به اشخاص درست و به هنگام درست ببخشد تا بخشیدن در نظرش عمل شریف باشد [Aristotle, 1926b: 1120a] و پیش نمی‌آید که مرد سخاوتمند در جای نادرست و به هنگام نادرست ببخشد وگرنه عمل او با گشاده‌دستی سازگار نخواهد بود و اگر دارایی خود را در فرصت‌های نادرست تلف کند، دیگر چیزی نخواهد داشت که در فرصت‌های درست ببخشد [Aristotle, 1926b: 1120b].

۳- وی همچنین بیان می‌دارد اگر فردی با اکراه و از روی بی‌میلی بخششی را انجام دهد؛ به عنوان سخاوتمند شناخته نمی‌شود؛ چرا که چنین فردی پول و ثروت را بر عمل شریف برتری می‌نهد [Aristotle, 1926b: 1120a].

۴- ویژگی دیگر فرد سخاوتمند این است که از بخشیدن لذت می‌برد یا دست کم رنج نمی‌کشد؛ چرا که عمل ناشی از فضیلت لذت‌بخش است یا دست کم همراه با درد نیست و حتی از درد دور است [Aristotle, 1926b: 1120a].

۴- مرد سخاوتمند از منابع نادرست چیزی نمی‌پذیرد؛ زیرا این پذیرفتن با روحیه مردی سازگار نیست که در برابر پول و ثروت استقلال خود را حفظ می‌کند [Aristotle, 1926b: 1120a].

۵- ارسطو همچنین شرط بخشش از مال را دارا بودن مالکیت خصوصی برای اموال بیان می‌کند و معتقد است در این صورت بخشش می‌تواند مایه خرسندی گردد [Aristotle, 1959: 1263b].

۶- ویژگی دیگر این است که خواستن کار مرد سخاوتمند نیست چون کسی که عادت دارد نیکی کند، به آسانی به خود اجازه نمی‌دهد که از نیکی دیگران برخوردار شود ولی آماده است که از منبع درست بگیرد مثلاً از دارایی خود، آن هم نه برای اینکه این کار شریف است بلکه برای اینکه ضروری است چون برای بخشیدن باید پولی به دست داشته باشد [Aristotle, 1926b: 1120b].

۷- شخص سخاوتمند در مراقبت از دارایی خویش سهل انگاری نمی‌ورزد؛ چون قصدش این است که با دارایی خود به دیگران کمک کند [Aristotle, 1926b: 1120b].

۸- در دیدگاه ارسطو خصوصیت اصلی مرد سخاوتمند این است که در بخشیدن به افراط می‌گراید؛ به طوری که فقط اندک چیزی برای خود نگاه می‌دارد [Aristotle, 1926b: 1120b].

۹- طبیعت فرد سخاوتمند، بی‌توجهی به خویشتن است [Aristotle, 1926b: 1120b].

۱۰- اصطلاح سخاوتمندی با توجه به مقدار دارایی شخص بخشنده به کار می‌رود زیرا گشاده‌دستی در مبلغی نیست که بخشیده می‌شود بلکه در سیرت شخص گشاده‌دست است و با مقدار دارایی مرد بخشنده نسبت دارد. از این رو مانعی نیست بر اینکه کسی که دارایی اندکی دارد اگر اندکی ببخشد گشاده‌دست‌تر از دیگران شمرده شود [Aristotle, 1926b: 1120b].

۱۱- مردی که گرایش به بخشیدن دارد، ثروت را برای خود آن نمی‌خواهد بلکه فقط وسیله‌ای برای بخشیدن می‌داند [Aristotle, 1926b: 1120b].

۱۲- شخص گشاده‌دست کسی است که با شادی و گشاده رویی می‌بخشد [Aristotle, 1926b: 1120b] و کسی که از کارهای سخاوتمندانه لذت نمی‌برد گشاده‌دست نیست [Aristotle, 1926b: 1099a]. ارسطو همچنین در رساله در باب فضایل و رذایل می‌گوید از گشاده‌روی است که در امور پسندیده و انفاق زیاد خرج شود و از منابع نادرست نگیرد. مرد آزاده و گشاده‌دست کسی است که در لباس و خانه‌اش پاکیزه است و دوست دارد چیزهایی را برای خود فراهم کند که بالاتر از حد معمولی و خوب باشد و سرگرمی‌هایی را بدون منفعت داشته باشد [Aristotle, 1935: 1250b].

۱۳- شخص گشاده‌دست علاقه‌مند به نگهداری از حیواناتی است که چیزهای خاص یا قابل توجهی در مورد آنها می‌داند [Aristotle, 1935: 1250b].

۱۴- مرد گشاده‌دست در داد و ستد شریک خوبی است؛ زیرا توانایی تحمل ضرر را دارد و این جای تعجب نیست؛ چون خود مال برای او ارزشی ندارد. برای فرد گشاده‌دست رنج‌آور است که که کمک نکند در صورتی که توانایی کمک داشته باشد و همچنین رنج‌آورتر است در صورتی که خرجی را انجام دهد و حال آن که ضرورتی برای چنین خرجی وجود نداشته باشد [Aristotle, 1926b: 1122a].

۱۵- ارسطو همچنین در کتاب چهارم /خلاق نیکوماخوس در خصوص سخاوت چنین بیان می‌کند که از نشانه‌های فرد سخاوتمند خرج کردن و بخشیدن، به کاربردن ثروت در جای درست است نه گرفتن آن از منابع درست یا نگرفتن از منابع نادرست. زیرا خاصیت فضیلت نیکی‌کردن است نه برخوردارشدن از نیکی و به جای آوردن عمل شریف است نه پرهیز از عمل زشت. تردید نیست که در یک‌سو بخشیدن و نیکی‌کردن و به جای آوردن عمل شریف با هم پیوسته‌اند و در سوی دیگر گرفتن و برخوردارشدن از نیکی و اجتناب از عمل زشت. ما کسی را می‌ستاییم که می‌بخشد نه کسی را که نمی‌گیرد. نگرفتن آسان‌تر از بخشیدن است، زیرا برای آدمی دست‌برداشتن از مال خویش دشوارتر از نگرفتن از دیگری است و عنوان گشاده‌دست حق کسی است که می‌-

بخشد. آن که از دیگری چیزی نمی‌پذیرد به سبب عدالت ستوده می‌شود نه به سبب گشاده‌دستی و کسی که فقط می‌گیرد اصلاً ستوده نمی‌شود [Aristotle, 1926b: 1120a].

۱۶- از میان صاحبان همه فضایل گشاده‌دستان محبوب‌تر از همه هستند چون به دیگران سود می‌رسانند و سودرسانی ایشان به این علت است که آماده بخشیدن هستند [Aristotle, 1926b: 1120a].

۱۷- ارسطو در کتاب فن شعر (poetics)، انسانی را به تصویر می‌کشد که انسان خوبی نیست و از خوشبختی و خوش‌شانسی به بدبختی گرفتار شده است. وی معتقد است در چنین شرایطی، حس فیلانثروپیا برانگیخته می‌شود و این در حالی است که حس ترحم و ترس برانگیخته نمی‌شود. در واقع ارسطو در این متن، فیلانثروپیا را به عنوان حس همدردی عمومی نسبت به تمام انسان‌ها صرف نظر از لیاقت و شایستگی آنها در نظر می‌گیرد [Aristotle, 1932: 1453a; Sulek, 2010: 394].

۱۸- دادن مرد گشاده‌دست هم نوع گرفتارش است ولی دادن و گرفتن متضاد برای او پیش نمی‌آید. دادنی درست، گرفتن از همان نوع را به دنبال دارد؛ در حالی که گرفتن نوع دیگر با آن نوع دادن متضاد است [Aristotle, 1926b: 1120b-1121a].

۱۹- اگر شخص سخاوتمند خرج‌ها و بخشش‌هایی را انجام دهد که مخالف شرافت و درستی هستند، متأسف و آزرده می‌شود؛ اما در عین حال تأسفش نیز به نحو درست و به اندازه درست صورت می‌گیرد؛ چرا که اقتضای فضیلت این است که آدمی خوشی و ناخوشی را تنها آنجا که درست است و به نحو درست احساس کند [Aristotle, 1926b: 1120b-1121a].

۲۰- کمک به دیگری هم می‌تواند شامل کمک مالی شود چنان که ارسطو بر اساس واژه گشاده‌دستی به آن اشاره نموده است و هم کمک به معنای عام که شامل امور مختلفی همچون آموزش، مشاوره، کمک برای حل مشکلات روحی و روانی، کمک برای حفظ جان انسان‌ها و ...

۲۱- کمک می‌تواند در قالب وضع قوانین بشردوستانه اتفاق افتد؛ چنان که ارسطو در کتاب سیاست (politics) از قوانین بشردوستانه سخن به میان آورده است. وی در این خصوص بیان داشته: برخی قوانین هستند که ظاهری جذاب دارند و ممکن هست انسان‌دوستانه (φιλάνθρωπος) به نظر برسند [Aristotle, 1944: 1263b].

به طور کلی ارسطو در تشخیص میانگین برای گشاده‌دستی بیان می‌کند که در بخشش باید به ویژگی‌های زیر توجه نماییم و بخشش را انجام دهیم. بخشش بایستی به افراد مناسب، به مقدار مناسب، در زمان مناسب، در موقعیت مناسب، به شیوه مناسب و برای هدفی مناسب صورت گیرد [Hadreas, 2002: 365]. بنابراین می‌توان گفت کتاب دیگردوستی مؤثر تداوم نظرات ارسطو در حوزه کمک به دیگران است.

نقاط ضعف کتاب

آقای سینگر در فصل دهم، یازدهم و دوازدهم به صورت مفصل به شیوه‌های کمک به دیگران اشاره می‌کند؛ اما معیاری برای تشخیص کمک ارایه نمی‌دهد و این به دلیل رویکرد فایده‌گرایانه وی است. البته بایستی به این نکته اشاره شود که ایشان معتقد است معیار ما باید این باشد که با منابعی که در اختیار داریم، بیشترین خیر را انجام دهیم. در واقع در تحلیل آقای سینگر تفاوت نیاز و خواسته مطرح نشده است (هر چند در ضمن مثال‌ها نیاز در اولویت قرار گرفته است. برای مثال می‌بینیم کمک به بچه‌های آفریقا را بر کمک به دانشگاه

پریستون ترجیح می‌دهند). وقتی ما به انسان‌های دیگر یا حتی موجودات دیگر کمک می‌کنیم در ایجاد اولویت‌بندی برای کمک لازم هست به تفاوت نیاز و خواسته توجه شود؛ به این معنا که کمکی که من انجام می‌دهم آیا نیازی را برطرف می‌کند یا خواسته‌ای را؟ یک وقت هست فردی نیازمند هست و به واسطه این نیاز، خلأیی در زندگی او به وجود آمده است که اگر این خلأ برطرف نشود می‌تواند آسیب‌های جدی و بلکه حتی جبران‌ناپذیر بر زندگی او وارد نماید. در واقع می‌توان گفت کمک مؤثر یا دیگردوستی مؤثر زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که با کمک بتوانیم یک خلأیی را پر کنیم به این صورت که کمک ما بتواند انسانی را از رنج حاصل از سوءتغذیه، چهل و... نجات دهد. در عین حال شرایطی وجود دارد که فردی خواسته‌ای دارد ولی چنین نیست که اگر این خواسته برطرف نشود، آسیب به فرد وارد نماید. هر چند که برطرف شدن آن می‌تواند به فرد کمک کند. در واقع بین نیاز و خواسته تفاوت است و چنین نیست که من هر چه نیاز داشته باشم را بخواهم و هر چه را هم می‌خواهم، به آن نیاز داشته باشم. زمانی که ما پولی را بخشش می‌کنیم و بخشش ما سبب می‌شود نیاز فرد یا افرادی برطرف شود، چنین بخششی با دیگردوستی مؤثر سازگار است. برای مثال شخصی غذا برای خوردن ندارد و خوردن غذا نیاز اساسی انسان است یا شخصی هزینه درمان بیماری خود را ندارد و سلامتی نیاز اساسی انسان است، یا شهری از وجود مراکز بهداشتی و درمانی محروم است و این از نیازهای اساسی آن شهر و مردمان آن شهر محسوب می‌شود. کمک برای چنین شرایطی به معنای برطرف کردن نیاز چنین افراد و جوامعی محسوب می‌شود و نسبت به خریدن تلویزیون برای خانواده محروم اولویت دارد. از این رو بخشش ما در صورتی که بتواند خلأیی را که به واسطه نیازهای اساسی انسان در زندگی فرد یا افرادی و یا به صورت کلی در سطح جهان به وجود آمده است با روش مناسب برطرف نماید تا نیازها اعم از فردی و اجتماعی از طریق راه‌کارهای مناسبی برآورده شوند و این امر نیازمند هوشمندی فرد سخاوتمند است تا بتواند در وهله اول نیازها را تشخیص دهد؛ به این صورت که در تعیین اولویت برای کمک، به سمت برآورده کردن نیازهایی حرکت کند که آن افراد یا جوامع توانایی برآورده کردن این نیازها را ندارند. در وهله دوم راهکار مناسب برای کمک پیدا کند و در وهله سوم این کمک و راهکار را اجرا نماید.

به نظر می‌رسد نقطه ضعف اصلی آقای سینگر عدم توجه به نقش سازمان‌هایی است که در زمینه پیشگیری از فقر و جنگ و... فعالیت دارند. به نظر می‌رسد در دیگردوستی مؤثر بهتر است اول شرایطی را ایجاد کنیم که شرایط ناگوار برای انسان‌ها، حیوانات، موجودات دیگر و محیط زیست و غیره پیش نیاید؛ به این معنا که در اولویت اول به پیشگیری از معضلات و مشکلات توجه شود. نکته‌ای که از نظر نویسنده کتاب دیگردوستی مؤثر مورد توجه واقع نشده است؛ عدم توجه به وظایف سازمان‌های جهانی و در رتبه بعدی دولت‌ها و در قبال انسان‌ها است. اینکه اگر سازمان‌های جهانی به درستی وظایف خویش را انجام دهند، شاید خیلی از این شرایط دردناک همچون بیماری و فقر و... برای بیشتر جوامع به وجود نیاید. یک جنگ می‌تواند همه جوانب اعم از اقتصاد و فرهنگ و محیط زیست یک کشور را تحت تاثیر قرار دهد؛ از این رو اگر سازمان‌های جهانی بتوانند وظایف خویش را در زمینه جلوگیری از جنگ و ... به خوبی انجام دهند، می‌توان بهترین شرایط برای دیگردوستی در نظر گرفت. در واقع سازمان‌های جهانی همچون سازمان بهداشت جهانی، صلح جهانی، سازمان غذا و کشاورزی، سازمان ملل متحد، کمیسیون عالی حقوق بشر و... می‌توانند در زمینه دیگردوستی، نقش مؤثر و بلکه حتی اساسی ایفا کنند. به طور کلی نقش سازمان‌های جهانی در ایجاد یا رفع مشکلات زیستی برای انسان‌ها مهم و اساسی است. از این رو یک دیگردوست مؤثر می‌تواند در زمینه فشار بر سازمان‌های جهانی برای انجام وظایفشان فارغ از دخالت‌های قدرت‌های برتر و .. نقش مؤثر ایفا کند.

علاوه بر این در خود جوامع نیز مدیریت صحیح و کاربردی می‌تواند از بروز شرایط سخت مثل فقر و ... جلوگیری کند. پس در وهله اول دیگر دوست موثر بایستی از طریق پیگیرها، انتقادات و سوالات خویش، سازمان‌های جهانی را موظف به رعایت اصول انسان‌دوستی نماید؛ چرا که رعایت اصول انسان‌دوستی می‌تواند از بروز جنگ و قحطی و .. جلوگیری نماید. علاوه بر این موضوعی که در دیگر دوستی مؤثر اهمیت دارد و بایستی مورد توجه قرار گیرد رسیدگی به مؤسسات خیریه‌ای است که تحت عنوان کمک به دیگران به فعالیت‌های غیرقانونی و غیربشر دوستانه اقدام می‌کنند و مؤسسات خیریه را به عنوان پوششی برای فعالیت‌های خود به کار می‌گیرند. چنین فعالیت‌هایی نه با مبانی انسان‌دوستی سازگاری دارد و نه با مبانی کتاب دیگر دوستی مؤثر.

علاوه بر این بایستی کمک به دیگران طوری تنظیم شود که این کمک‌ها تنها جنبه مصرف‌کنندگی برای افراد نیازمند نداشته باشد و سبب شود تا با ایجاد شغل و درآمد برای خانواده‌هایی که توان کارکردن دارند، شرایط اقتصاد دایمی برای آنها فراهم نماید و البته رساندن غذا و امور ضروری زندگی از اولویت‌ها محسوب می‌شود. البته این اولویت‌بندی از لحاظ سنجش شرایط مطلوب برای کمک به دیگران است. اما از لحاظ تقدم و تاخر در کمک‌رساندن، مسلماً رفع نیاز نیازمندان در اولویت اول است. در عین حال بایستی همزمان در زمینه فشار بر سازمان‌های جهانی در تبیین دیگر دوستی در اسانامه‌های خویش به صورت عملی و نه فقط صرفاً به صورت تئوری اقدام شود. در بخشش شرایطی ایجاد شود که تعداد افراد نیازمند به حداقل برسد و چنین نباشد که در جامعه افراد نیازمند بیشتر باشد. بایستی از ظرفیت‌های موجود جوامع استفاده شود تا این تعداد افراد هر روزه کمتر و کمتر شود. در واقع دیگر دوست می‌تواند ظرفیت‌های موجود را به افراد گیرنده کمک نشان دهد. در برخی جوامع مثل آفریقا با فقر در سطح گسترده‌ای مواجه هستیم، در صورتی که بررسی این جوامع نشان می‌دهد ظرفیت‌هایی برای ایجاد درآمد دایمی برای افراد آن جامعه هست. علاوه بر این نظریات آقای اسپنر در مورد دیگر دوستی مؤثر مبتنی بر رویکرد فایده گرایی است که سبب می‌شود تا انگیزه الهیاتی و رسیدن به سعادت در آن جایگاهی نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

کتاب دیگر دوستی مؤثر از جمله آثاری است که در دوره معاصر در نوع خود کم نظیر است؛ چراکه توانسته به نحو مؤثر و کاربردی به موضوع کمک به دیگران هم در حوزه مبانی نظری و هم در حوزه مبانی عملی اشاره نماید. این کتاب با تبیین و ارایه کمک به دیگران، گام مؤثری در جهت‌دهی به کمک به افراد نیازمند برداشته است. در واقع کتاب سینگر کاوشی متفکرانه در مورد کمک‌های خیریه است و اینکه چگونه می‌توانیم تأثیر مثبتی بر جهان بگذاریم. نقطه قوت کتاب این است که خوانندگان را در مورد اینکه چگونه می‌توانند از منابع خود برای ایجاد تفاوت استفاده کنند و همچنین در مورد چگونگی کمک مؤثر به تفکر انتقادی وامی‌دارد و شامل اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه برای بخشش برای کاهش رنج و نجات زندگی است. به طور کلی، کتاب دیگر دوستی مؤثر، کتابی قدرتمند و قابل تامل است که خوانندگان را به چالش می‌کشد تا در نظر بگیرند که چگونه می‌توانند تأثیر مثبتی بر دنیای اطراف خود بگذارند.

نقطه ضعف اصلی کتاب در عدم توجه آن به نقش سازمان‌های جهانی در پیشگیری از جنگ و ... است که می‌تواند نقش بسیار مؤثر و اساسی در دیگر دوستی ایفا نماید. چرا که کمک‌رسانی در صورتی که در حوزه قوانین صورت گیرد و از سوی سازمان‌های جهانی به درستی انجام شود، نقش پیشگیرانه مؤثرتری خواهد داشت؛ چرا که فعالیت‌های آنها می‌تواند در پیشگیری از فقر و سایر شرایط نامطلوب انسانی مؤثر باشد؛ امری که آقای

سینگر بدان توجه نداشته و از جمله بزرگترین ضعف‌های کتاب دیگردوستی محسوب می‌شود؛ چرا که و ورود افراد دیگردوست در این حوزه می‌تواند جهت‌دهی مناسبی برای کمک‌ها ایجاد نماید. علاوه بر این آقای پیتر سینگر در زمینه افرادی که کمک را دریافت می‌کنند به شرایط اساسی آنها اشاره نکرده است؛ هر چند که در بخش‌هایی از کتاب به کمک‌های احساساتی پرشور غیر سنجش‌گرانه اشاره می‌کند؛ اما در این حوزه به ملاک اساسی برای کمک یعنی تفاوت نیاز و خواسته اشاره نمی‌کند؛ هر چند در ضمن مباحث، توجه به نیازها را در اولویت قرار می‌دهد. در واقع دیگردوست مؤثر بایستی از طریق سنجش عقلانی، نیازها (نیازهایی که خود افراد و جوامع توانایی برطرف کردن آنها را ندارند) را شناسایی کند بعد از آن با ارایه راهکار مناسب به برطرف نمودن آنها بپردازد. نقطه ضعف دیگر کتاب این است که با رویکرد فایده‌گرایانه نگاشته شده است و از این رو انگیزه رسیدن به سعادت در آن جایگاهی ندارد.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تأییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.

سهم نویسندگان: مریم صمدیه (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ مجید ملایوسفی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی (۲۵٪)؛ علی صفرزاده ملکی (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی (۲۵٪)

منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- Aeschylus (1926). Aeschylus. Weir Smyth H, translator Cambridge: Harvard University Press.
- Aeschylus (2019). The collection of works. Kosari A, translator. Tehran: Tarh_e_No press. [Persian]
- Aristotle (1894). Aristotle's Ethica Nicomachean. Bywater I, editor. Oxford: Clarendon Press.
- Aristotle (1926a). Aristotle: The art of rhetoric. Freese JH, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Aristotle (1926b). Nicomachean Ethics. Rackham H, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Aristotle (1932). Aristotle in 23 Volumes, Vol. 23. Fyfe WH, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Aristotle (1935). The Athenian constitution; The Eudemian ethics; On virtues and vices. Rackham H, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Aristotle (1944). Aristotle in 23 Volumes (Volume 21). Rackham H, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Aristotle (1957). Aristotle's Politica. Ross WD, editor. Oxford: Oxford University Press.
- Aristotle (1959). Politics. Rackham H, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Aristotle (1966). Aristotle's Ars Poetica. Kassel R, editor. Oxford: Clarendon Press.
- Aristotle (1985). Politics. Enayat H, translator. Tehran: Negah Press. [Persian]
- Aristotle (2004). Nicomachean ethics. Crisp R, translator and editor. Cambridge: Cambridge University Press.
- Aristotle (2006). Nicomachean ethics. Lotfi MH, translator. Tehran: Tarh_e_No press. [Persian]
- Hadreas P (2002). Aristotle on the vices and virtue of wealth. Journal of Business Ethics. 39(4):361-376.
- Mollayousefi M, Samadieh M (2022). Philanthropia in ancient Greece and its relationship with paideia. History of Philosophy. 13(1):17-36. [Persian]
- Singer P (2015). The most good you can do: How effective altruism is changing ideas about living ethically. New Haven: Yale University Press.
- Singer P (2019). The most good you can do: How effective Altruism is changing ideas about living ethically. Niakan A, translator. Tehran: Tarh_e_No press. [Persian]
- Sulek M (2010). On the classical meaning of philanthrôpía. Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly. 39(3):385-408.

پی‌نوشت

ⁱاگر بخواهیم به تاریخچه موضوع دیگر دوستی در آثار مکتوب اشاره نماییم می‌توانیم واژه فیلانثروپیا را در یونان باستان مورد بحث و بررسی قرار دهیم. فیلانثروپیا واژه‌ای است که در یونان باستان برای اشاره به انسان‌دوستی و کمک به دیگران به کار می‌رفته است، که این کمک می‌توانست از سوی خدایان و یا انسان‌ها باشد. واژه φιλανθρωπία (philanthrōpía) از φιλόανθρωπος (philanthrōpos) گرفته شده است و به معنای انسان‌دوستی یا عشق به نوع انسان است [Sulek, 2010: 38]. کاربرد مفهوم فیلانثروپیا حتی به زمان‌های پیش از ارسطو برمی‌گردد. این اصطلاح نخستین بار در نمایشنامه پرومتئوس در بند (Prometheus bound)، نوشته آیسخولوس به کار گرفته شد و بعدها در شماری از آثار ادبی و فلسفی دوره کلاسیک در یونان باستان به کار رفت [Mollayousefi & Samadieh, 2022: 18; Aeschylus, 2019: 246; Aeschylus, 1926: 7-11]. نیز در کتاب هشتم/خلاق نیکوماخوس واژه فیلانثروپیا را به کار برده و چنین بیان می‌کند که «چنین می‌نماید که میان پدر و مادر و اولاد و اولاد و پدر و مادر، نه تنها در آدمیان بلکه در پرندگان و دیگر جانوران و همچنین میان افراد نژاد واحد و خاصه آدمیان پیوند دوستی طبیعی برقرار است و به همین جهت ما همیشه انسان‌دوستی را می‌ستاییم. در سفر و غربت نیز به روشنی می‌توان دید که آدمیان چگونه یک‌دیگر را به چشم خویشاوندی و دوستی می‌نگرند» [Aristotle, 2006: 1155a 14-18; Aristotle, 2004: 1155a 17-23]. در واقع فیلانثروپیا در متن اخلاق نیکوماخوس، به یک احساس دوستی فطری و ذاتی اشاره دارد که مردم به طور طبیعی نسبت به سایر انسان‌ها و همنوعان خود، به عنوان اعضای یک نوع، دارند [Sulek, 2010: 394].

همان طور که اشاره شد واژه فیلانثروپیا، یکی از این عبارت‌های ارسطو برای تبیین کمک به دیگران است که آن را به عنوان امری فطری در وجود انسان‌ها و همچنین به عنوان فضیلتی اخلاقی بیان نموده است. سخاوت و گشاده‌دستی (ἐλευθεριότητος/Liberality) یکی دیگر از واژه‌هایی است که ارسطو برای کمک به دیگران مطرح کرده و مورد استفاده قرار داده است [Araistotle, 2006: 1119a]. گشاده‌دستی در دیدگاه ارسطو، فضیلتی اخلاقی (the moral virtues) است که در کتاب/خلاق نیکوماخوس، فن خطابه، سیاست، رساله در باب فضایل و زایل به آن اشاره نموده است [Aristotle, 1985: 1263b; Aristotle, 1926: 1119a; Aristotle, 1935: 1250b; Aristotle, 1926a: 1366b]. ارسطو در کتاب فن خطابه به فضیلت سخاوت یا گشاده‌دستی در کنار سایر اجزای فضیلت اشاره و بیان می‌کند که بزرگ‌ترین فضایل لزوماً آنهایی هستند که برای دیگران مفیدتر هستند؛ در صورتی که فضیلت، توانایی اعطای منافع باشد؛ از این رو عدالت و شجاعت از همه ارجمندتر هستند و بعد از آنها، آزادی در خرج کردن یا گشاده‌دستی قرار دارد، زیرا شخص گشاده‌دست آزادانه خرج و انفاق می‌کند [Aristotle, 1926a: 1366b]. البته بایستی به این نکته اشاره نماییم که فیلانثروپیا در دیدگاه ارسطو مفهومی عام‌تر نسبت به گشاده‌دستی دارد؛ چرا که فیلانثروپیا شامل انواع کمک‌های مالی و غیرمالی همچون ترویج معرفت و دانش، همدردی از طریق محبت قواین بشردوستانه و ... می‌شود و این در حالی است که گشاده‌دستی تنها در حوزه کمک‌های مالی مطرح شده است.

ⁱاین کتاب توسط نیره جودی به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۹۷ در انتشارات کتاب کوچه به چاپ رسیده است.

ⁱⁱاین کتاب توسط کیوان شعبانی مقدم به فارسی ترجمه و در سال ۱۴۰۱ در انتشارات طرح نو به چاپ رسیده است.

ⁱⁱⁱاین کتاب توسط کیوان شعبانی مقدم به فارسی ترجمه و در سال ۱۴۰۲ توسط انتشارات علم به چاپ رسیده است.

^{iv}این کتاب توسط بهنام خداپناه به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۹۹ در انتشارات ققنوس به چاپ رسیده است.